



فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

مدیر مسئول: محمد صادق ملائی

سرمدیر: محمد صادق ملائی

صاحب امتیاز: انجمن فرهنگ و سیاست دانشجویان دانشگاه شیراز

شماره مجوز: ۱۴۴۹/ ک ن ش
بهار ۱۴۰۲

حق آبه هیرمند: چرا آب ایران و افغانستان در یک جوی نمی رود؟

حق آبه ایران از هیرمند، به دادخواست حقوقی ایران از آب رود هیرمند در منطقه سیستان اشاره دارد. این رود در گذشته نه چندان دور به طور کامل در محدوده سرزمینی ایران تعریف می شد اما در سال ۱۸۵۷ میلادی و بر اساس معاهده پاریس، هرات از خاک ایران جدا شد. بعد از این رخداد، حاکمیت افغانستان از جاری ساختن رود هیرمند در خاک ایران خودداری کرد و مسئله حق آبه رود هیرمند به یک مسئله مهم سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی میان دو کشور تبدیل شد. در واقع، تنش های آبی میان ایران و افغانستان ریشه در تاریخ دارد. عهدنامه پاریس دولت ایران را متعهد کرده بود که کلیه اختلافات خود با دولت افغانستان را به داوری انگلستان ارجاع کند و دولت انگلیس هم تعهد کرده بود این اختلافات را مطابق حق و با در نظر گرفتن حیثیت دولت ایران تصفیه کند اما در اواخر قرن نوزدهم، تغییر مجاری هیرمند باعث بروز اختلافات جدیدی شد.

اختلافات و حتی زد و خورد بین ایران و افغانستان ادامه پیدا کرد تا این که سرانجام در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ گزارش کمیسیون دلتا میان امیرعباس هویدا، نخست وزیر وقت ایران و موسی شفیق، نخست وزیر وقت افغانستان در کابل به امضاء رسید. در خرداد ماه ۱۳۵۲ هر دو مجلس قانون گذاری دو کشور آن را تصویب کردند. این معاهده، سال معمولی و نرمال آبی را نیز تعریف کرده است که بر اساس معیارهای مرکز سنجش «دهراود» مشخص می شود.

مسیر رودخانه هیرمند از رشته کوه های هندوکش در کشور افغانستان آغاز و به تالاب هامون واقع در مرز ایران و افغانستان ختم می شود. بخش بالادست رودخانه هیرمند در کشور افغانستان قرار دارد. این رودخانه بعد از طی کردن مسافتی در افغانستان در حوزه پایین دست به کشور ایران وارد می شود.

سیاست های دولت افغانستان تا پیش از ظهور مجدد طالبان در شهریور ماه ۱۴۰۰ چندان تفاوتی با سیاست های فعلی این کشور ندارد. حتی قبل از طالبان بارها ادبیات نامناسبی از سوی طرف افغانستانی در باب حق آبه هیرمند به کار گرفته شده بود. برای نمونه، محمد اشرف غنی، رئیس جمهوری پیشین افغانستان در فروردین ۱۴۰۰ در مراسم افتتاح سد کمال خان، بر روی رود هیرمند در ولایت نیمروز، گفته بود: «کشورش دیگر آب رایگان به کسی نمی دهد و به ایران توصیه کرد در ازای دریافت آب، به افغانستان نفت بدهد.» در این مقطع نیز اظهارات غنی، واکنش شدیدالحن مقام ها و افکار عمومی ایران را به همراه داشت.

کشور افغانستان ۵ حوضه آبریز دارد که از فضا هر ۵ حوضه فرامرزی و مشترک با کشورهای همسایه هستند و در ۲ حوضه با ایران مشترک است. پس از افول اولیه طالبان و شکست از نیروهای ائتلاف در سال ۲۰۰۱ طرح های سدسازی مختلفی در هند پیشنهاد شد اما اینکه افغانستان فقط ساخت سد در حوضه های مشترک با ایران را در اولویت قرار داده، تمایز رفتار این کشور نسبت به ایران را نشان می دهد.

نکته بسیار مهم دیگر این است که مستندات ماهواره ای و اظهارات مقامات افغانستانی در مذاکرات فی ما بین تأیید می کند که آن ها پس از آبرگیری سد کمال خان بخش قابل توجهی از آب سد را به شوره زاری تحت عنوان گودزره منحرف کرده اند. به رغم مذاکرات جدی ایران با طرف افغانستانی در سال های گذشته در این باره که ضروری است از انحراف آب هیرمند به سمت شوره زار گودزره امتناع شود و حق آبه قانونی ایران پرداخت شود، بررسی ها نشان می دهد، مقامات افغانستانی هیچ گاه به تعهدات و توافقات ملزم نبوده اند.

پس از هشدار جدی رئیس جمهوری ایران مبنی بر ضرورت پرداخت حقا به قانونی ایران از رود هیرمند، دفتر سخنگوی دولت افغانستان با صدور بیانیه ایی شدیدالحن واکنش نشان داد. طالبان در بیانیه خود تأکید کرد: «به دلیل خشکسالی و کمبود آب عملاً قادر به پرداخت حق آبه ایران نیست... خواست مکرر ایران برای آب و اظهارات نامناسب در رسانه ها را زبان آور می دانیم»

این بیانیه با لحنی آمیخته از تحقیر می گوید، مقامات ایرانی باید اطلاعات خود را درباره آب هلمند [هیرمند] تکمیل کنند و بعد با الفاظ مناسب خواست خود را مطرح کنند. سخنگوی طالبان افزود: «اگر واقعیت درست مطالعه نشود و چنین اظهاراتی مطرح شود می تواند به فضای سیاسی مردم و کشورهای دو ملت مسلمان آسیب بزند که به نفع هیچ طرفی نیست و باید تکرار نگردد.»

همچنین اظهارات رئیس دولت سیزدهم باعث شد یکی از فرماندهان طالبان در ویدئویی با پر کردن یک دبه آب برای ابراهیم رئیسی ضمن تمسخر او ادعا کند که رودخانه هیرمند (هلمند) آبی برای تحویل به ایران ندارد. این دبه ها به مدت دو دهه نماد اقدامات انتحاری طالبان علیه دولت مرکزی افغانستان بودند به طوری که استفاده از این دبه ها نمایشی برای تهدید ایران قلمداد شد.

آب هیرمند بخش کوچکی از تأمین آب سیستان را شامل می شود. طی دهه های متمادی چالش تهران و کابل بر سر حق آبه ایران از هیرمند، برای مردمان این سرزمین مشکلات عدیده ای را به همراه داشته است. به ویژه، خشک شدن تدریجی تالاب هامون که از اوایل دهه ۷۰ شمسی آغاز شده و در سال های اخیر با شدت بیشتری پیش رفته، زمینه تغییرات منفی زیست بوم منطقه سیستان را مهیا کرده است. این اتفاقات تلخ در شرایطی رخ می دهد که بر اساس اطلاعات ماهواره ای حوضه آبریز هیرمند، میزان بارندگی در بالادست رودخانه هیرمند طی ۳۳ سال گذشته کاهش پیدا نکرده و به مفاد مندرج در معاهده ۱۳۵۱ برای تأمین حق آبه ایران عمل نشده است.

آمار ارائه شده از سوی سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) نشان می دهد تنها حدود ۷ درصد از منابع آب ایران از منابع خارجی تأمین می شود. شاید مساله در مرزهای شمال غربی کشور چندان اهمیت نداشته باشد اما داستان در مرزهای شرقی ایران بسیار متفاوت است. چرا که ایران در آبریز فرات سهمی ندارد و تقریباً ۱۰ درصد در دجله سهم دارد. چنین سهمی اساساً نمی تواند به بحرانی مهم در سهم خواهی ایران از ترکیه منجر شود.

علاوه بر این، مناطق شمال غرب ایران از منابع قابل توجه آبی در داخل برخوردار است که نیازهای را به آبریز فرات کاهش می دهد اما محدودیت منابع آبی در شرق، حق آبه رودخانه هیرمند را اهمیتی مضاعف بخشیده است. بخش قابل توجهی از زیست و حیات، ساکنان سیستان وابسته به آبریز هیرمند و تأمین حق آبه ایران از این رودخانه است.

انتقال آب هامون جهت استفاده در شهر زاهدان توسط خط لوله و انتقال و ذخیره اندازه زیادی از آب دریاچه هامون به چاه های نیمه زایل و همچنین استفاده آب هامون برای کشاورزی از عوامل اصلی خشکی تالاب هامون است. ساخت بند کجکی روی هیرمند، نصب و به کارگیری انواع پمپ در مسیر رود هیرمند برای کشاورزی در افغانستان، خشک شدن دریاچه هامون (هفتمین تالاب بین المللی جهان) را در پی داشته است.

این مسئله موجب قطع منبع زندگی ۴۰۰ هزار سیستانی، کاهش چشمگیر پرندگان بومی سیستان، رو به انقراض نهادن گاو سیستانی، تنگدستی و ناامنی های متعاقب آن به واسطه فعالیت قاچاق مواد مخدر و گروه های تروریستی، مهاجرت گسترده سیستانیان به مناطق شمالی ایران و زوال روزافزون صنایع دستی سیستان شده است.